

علت مرگ ؛ معلوم !

30 اردیبهشت 1405

قاتل الهه گفته بود وقتی می خواست کرایه را برایم با گوشی پرداخت کند با دیدن گوشی گران قیمتش وسوسه شدم و خواستم آن را به زور از او بگیرم. او هم مقاومت کرد. گوشی را نداد و من هم چند ضربه با چاقو به سینه اش زدم.

جای دیگری همین قاتل اشاره به تجاوز دارد. می گوید وقتی او را سوار کردم یک فکر شیطانی در سرم آمد که به او تجاوز کنم. او مقاومت کرد و من هم با چند ضربه ی چاقو او را کشتم.

گواه این ادعا صحبت مامور پلیس است که در مقابل دوربین یا به عمد یا به سهو اذعان دارد که خوب کردی او را کشتی. ما به تو کمک می کنیم. بعد هم دست روی شانه های قاتل می گذارد و خیلی نرم و لطیف او را دلداری می دهد.

قاتلی که حالا معلوم می شود در اسنپ هم کار می کرده و راننده ی اسنپ هم بوده. بعضی ها زحمت کشیده اند و تا ته زندگی بهمن فرزانه را هم در آورده اند. کجا بوده. با که بوده. زن سابقش حالا کجاست. رفتار و اخلاقش و حتی گرایشات سلیقه ای و مذهبی اش چه بوده. تا اینجا کار چیز پنهانی از قاتل الهه نداریم و همه چیز مثل روز روشن است. همچنان که از الهه هم روشن است.

قاتل الهه امروز به دار آویخته شد. با سوالاتی بی شمار اما بی پاسخ.

یکی گفته بود اگر فرضا بخواهیم به دختر خودمان یا خواهرمان یا عزیزی از عزیزانمان در خصوص مقاومت کردن یا مقاومت نکردن در شرایطی مشابه با مرحومه خانوم الهه حسین نژاد توصیه و سفارشی کنیم آیا علی رغم اینکه می دانیم این مقاومت ممکن ست به معنی جان باختن آنها ناشی از مقاومت در برابر سرقت اموالشان باشد ؛ باز هم برای حفظ اموالشان مثلا گوشی تلفن همراه یا لب تاب یا هر شئی گران قیمت دیگر به آنها توصیه می کنیم که به هر قیمتی مقاومت کنند ؟

وقتی مقاومت چه به شرف گره خورده باشد چه به مال اما به قیمت جان تمام شود آیا باز هم باید مقاومت کرد ؟ از آن طرف اگر به قیمت جان مقاومت را بشکنیم و با هر تهدیدی حتی کوچک مال مان را دو دستی هدیه کنیم تا جان مان را برداریم و از مهلکه بگریزیم ؛ کار درستی کرده ایم ؟

به راستی چه باید کرد ؟ خلاصه؛ مقاومت کنیم یا بمیریم ؟

*** جعفر بخشی بی نیاز**